

Survey the Impact of Political, Economic and Personal Freedoms on Human Development Index (A Cross-Country Approach)

Seyed Amin Mansouri¹

Seyed Morteza Afghah²

In this study, using economic freedom indices including: rule of law, limited government, regulatory efficiency and market freedom, political freedom, including: civil liberties, political rights and freedom of the press, variables of quality of governance and personal freedom and its impact on human development index in 147 countries for the period 2008-2015 using panel data analysis, the Amartya Sen's "development as freedom" theory emphasizing personal freedom has been tested. The study results show that all kinds of freedoms to achieve development are important and all of them should be paid enough attention to. However, the effectiveness of regulation and personal freedom index represents the greatest impact on the human development index. Survey indicators suggest that increased rule of law among society and government, improve in regulations, improve in market liberty, and decreased government interference in economy will lead to improvements in human development. By examining political freedom index also shows that both indices of civil liberties and political rights and Press Freedom had positive and negative effects on the human development index, respectively. The results also indicated that the indices of quality of governance and personal freedom also has a positive effect on the human development index.

Keywords: development, personal freedom, economic freedom, political freedom, panel data.

JEL Classification: O15, C23.

1. Assistant Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (Corresponding Author),
Sa.mansouri@scu.ac.ir

2. Associate Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

بررسی تأثیر آزادی‌های سیاسی، اقتصادی، و شخصی در توسعه انسانی (رویکرد بین‌کشوری)

سیدامین منصوری*

سیدمرتضی افقه**

چکیده

در این مقاله با استفاده از شاخص‌های آزادی اقتصادی شامل حاکمیت قانون، دولت محدود، اثربخشی تنظیم مقررات، آزادی بازار، و آزادی سیاسی شامل آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی، و آزادی مطبوعات متغیرهای کیفیت حکم‌رانی و آزادی شخصی و تأثیر آن در شاخص توسعه انسانی در ۱۴۷ کشور جهان و برای دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۵ نظریه «توسعه به‌مثابه آزادی» آمارتیا سن با تأکید بر آزادی سیاسی و شخصی و با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی موردآزمون قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمامی آزادی‌ها برای رسیدن به توسعه اهمیت دارد و می‌بایست به همه آنها توجه کافی شود. باین‌حال، اثربخشی تنظیم مقررات و شاخص آزادی شخصی بیش‌ترین اثرگذاری را در شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد. بررسی شاخص‌های آزادی اقتصادی نشان می‌دهد که افزایش قانون‌مندی در بین جامعه و دولت، بهبود تنظیم مقررات، بهبود آزادی بازار، و کاهش دخالت دولت در اقتصاد به بهبود توسعه انسانی می‌انجامد. بررسی شاخص‌های آزادی سیاسی نیز نشان می‌دهد که هر دو شاخص آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی اثر مثبت و شاخص آزادی مطبوعات اثر منفی در شاخص توسعه انسانی داشته

* استادیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)، sa.mansouri@scu.ac.ir

** دانشیار اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

است. نتایج هم‌چنین نشان داد که شاخص‌های کیفیت حکم‌رانی و آزادی شخصی اثر مثبتی در شاخص توسعه انسانی دارد.

کلیدواژه‌ها: توسعه، آزادی شخصی، آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی، داده‌های ترکیبی.

طبقه‌بندی JEL: O15، C23.

۱. مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی و مسائل مرتبط با آن سال‌هاست ذهن متخصصان رشته‌های علوم اجتماعی را به خود مشغول کرده است. ناکامی تعداد درخور توجهی از جوامع و کشورهای جهان در نیل به سطح مناسبی از رشد اقتصادی باعث شده است متفکران حوزه‌های علوم اجتماعی، به‌ویژه متخصصان اقتصادی، این دلیل مهم را بررسی کنند. در نظریات اقتصاددانان کلاسیک «انسان» فقط یکی از نهاده‌ها در چرخه تولید کالاها و خدمات مورد توجه بوده و در عوض «انباشت سرمایه» عاملی کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رفته است. حتی در الگوهای رشد اقتصادی دهه ۱۹۵۰، رشد اقتصادی فقط به میزان سرمایه و نیروی کار ربط داده شده و از متغیرهای غیراقتصادی مانند کیفیت سرمایه انسانی و سلامت نیروی کار در آن‌ها غفلت شده است. از این دیدگاه، توسعه در تعاریف اولیه به‌صورت ساده و صرفاً براساس «افزایش مستمر در ظرفیت‌های تولیدی یک جامعه» مطرح می‌شد. با این وصف، از همان ابتدا تعدادی از اقتصاددانان توسعه اقتصادی را صرفاً به تغییرات آشکار در نهاده‌های اقتصادی محدود ندانستند و معتقد بودند توسعه اقتصادی متضمن تحولات عمیق و اساسی هم در ساختارهای اقتصادی و هم در ساختارهای اجتماعی جامعه است. برای نمونه، هوزلیتز (Hoselitz 1953) در پاسخ به این سؤال که «آیا توسعه اقتصادی صرفاً به تغییر در ابعاد مشخص و ظاهری رفتار محدود است؟»، بیان می‌کند: «من تصور می‌کنم توسعه اقتصادی به فرایندی سریع و به‌نوعی انقلابی گفته می‌شود که اگر قرار است در جامعه ریشه‌دار شود، باید به‌طور گسترده و عمیق نفوذ کند و بنابراین در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن تأثیرگذار باشد». به‌عبارت دیگر، «توسعه اقتصادی نه‌فقط شامل تغییر در تکنیک‌های تولید، بلکه شامل تغییر جهت‌گیری در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی می‌شود». آمارتیا سن (Amartya Sen)، توسعه‌دان و برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۸ اقتصاد، در کتاب ارزش‌مند خود، توسعه به‌مثابه آزادی، توسعه را برابر با آزادی دانسته است. در واقع از نظر سن،

توسعه فرایندی است که موجب گسترش آزادی‌هایی خواهد شد که مردم از آن نفع می‌برند. توسعه باید منجر به محو عواملی شود که آزادی انسان‌ها را محدود می‌کند. این

عوامل عبارت‌اند از فقر و ستم‌گری، نبود فرصت‌های اقتصادی، محرومیت‌های اجتماعی نهادینه‌شده، غفلت از بودجه‌های عمومی، انتقادناپذیری، و یکه‌تازی دولت‌های سرکوب‌گر (Sen 2001).

تعاریف امروزی توسعه تحولی عمیق و کیفی یافته است، اما از آن‌جاکه سنجش متغیرهای کیفی دشوار است، متخصصان اقتصادی مایل‌اند متغیرهای سنتی در سنجش رشد و توسعه اقتصادی کشورها را ارتقا دهند. معرفی شاخص توسعه انسانی و ضریب رشد آن از سوی متخصصان سازمان ملل گامی در این راستا بود. همان‌طور که ذکر شد، از دید آمارتیا سن، نیل به توسعه به مفهوم برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی اقتصادی بیش‌تر به برخورداری بیش‌تر انسان از آزادی در جامعه در ابعاد مختلف منوط است. در واقع از دید آمارتیا سن، متغیر آزادی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی زمینه‌ساز توسعه و رفاه در جامعه خواهد بود. بنابراین، تلاش شده است تا نظریه‌ی وی بررسی و آزمون شود. بر این اساس، با استفاده از شاخص آزادی اقتصادی شامل متغیرهای حاکمیت قانون، دولت محدود، اثربخشی تنظیم مقررات، آزادی بازار، و آزادی‌های سیاسی شامل آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات، متغیرهای کیفیت حکم‌رانی، و آزادی‌های شخصی (به‌منزله متغیرهای مستقل) و تأثیر آن‌ها در شاخص توسعه انسانی (متغیر وابسته) در ۱۴۷ کشور جهان و برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۵ نظریه «توسعه به‌مثابه آزادی» آمارتیا سن بررسی تجربی خواهد شود.

به این منظور، ساختار مقاله در چند بخش تنظیم شده است. در بخش دوم مبانی نظری توسعه و تعریف توسعه از نظر آمارتیا سن بررسی می‌شود. بخش سوم مرور پیشینه مطالعات است. در بخش چهارم روش تحقیق ذکر می‌شود. در این قسمت ابتدا داده‌ها و متغیرها تعریف و سپس معرفی مدل بیان می‌شود. در بخش پنجم برآورد مدل انجام شده و شاخص‌های آزادی بر توسعه بررسی می‌شود. بخش ششم نتیجه‌گیری است.

۲. ادبیات موضوع

۱.۲ مبانی نظری توسعه و ارتباط آن با آزادی

آرتور لوئیس (W. Arthur Lewis 1995) در اثر معروف خود، نظریه رشد اقتصادی، می‌نویسد که هدف توسعه افزایش دامنه انتخاب‌های انسان است، اما او تحلیل خود را صرفاً روی رشد تولید سرانه متمرکز کرد و دلیلش این بود که این کار به انسان قدرت کنترل

بیش‌تری بر محیط اطرافش می‌دهد و بدین وسیله آزادی او را افزایش می‌دهد. از اولین تلاش‌ها در جهت تمرکز بر ارزش‌های ذاتی انسان، به‌منزله هدف غایی توسعه، تعریف دادلی سیرز (Dudley Seers 1969) است. وی سه ویژگی اساسی توسعه را به‌صورت سؤال طرح کرده که معتقد است، به‌رغم تنوع در دین، سنت، نژاد، و ...، در بین همه جوامع مشترک است. بنابراین، سؤالی که باید درباره فرایند توسعه کشور پرسید این است:

چه اتفاقی برای فقر افتاده است؟ چه اتفاقی برای بی‌کاری افتاده است؟ چه اتفاقی برای نابرابری افتاده است؟ اگر در همه این سه مورد کاهش رخ داده باشد بی‌تردید باید گفت که در جامعه موردنظر توسعه اتفاق افتاده است، اما اگر یک یا دو مورد از این سه مشکل اساسی بدتر شده‌اند، به‌خصوص اگر هر سه مورد بدتر شده باشند، عجیب خواهد بود که نتیجه این فرایند را توسعه بنامیم، حتی اگر درآمد سرانه افزایش یافته باشد (Seers 1969).

تفسیر گولت (Goulet 1971) از توسعه زمینه را برای ارائه تعریفی جامع‌تر از توسعه فراهم کرد که پایه تعاریف امروزی از مفهوم توسعه است. تعریف او از توسعه نه‌فقط اهداف اقتصادی را در بر می‌گیرد، بلکه شامل جنبه‌های غیراقتصادی جامعه می‌شود. گولت سه جزء اساسی یا سه ارزش محوری را معیار هر فرایند توسعه بیان کرده است. این سه ارزش محوری، که تلاش برای نیل به آنها به‌مثابه اهدافی اساسی در ذات همه انسان‌ها وجود دارد، معیشت، اعتماد به نفس، و آزادی است (Landy 1972). به‌نظر می‌رسد، این نوع نگاه به توسعه باعث تحولی در تعریف توسعه و ورود عوامل غیراقتصادی به این تعریف شده باشد. به‌عبارت‌دیگر، این تعریف از توسعه نه به‌منزله تحول صرف اقتصادی، بلکه به تحول در همه ابعاد و جهات زندگی توجه می‌کند. در واقع، در این تعریف در نگاه اول برخورداری همه افراد جامعه، در حدی که تأمین نیازهای اساسی دغدغه کسی نباشد، هدف نیست، بلکه جزء اصلی و جدایی‌ناپذیر هر تعریف و فرایندی از توسعه است. بدیهی است بدون رشد مستمر و خودافزا در سطح فردی و اجتماعی، تحقق توانایی و قابلیت بشر امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، افزایش درآمد سرانه، محو فقر مطلق، ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تر، و کاهش نابرابری درآمدی تأمین‌کننده شرایط لازم و نه کافی برای توسعه خواهد بود.

دومین ارزش محوری در تعریف توسعه گولت گسترش اعتماد به نفس در میان افراد جامعه است. همه مردم و جوامع به‌دنبال نشان‌دادن عزت نفس و اعتماد به نفس‌اند، هرچند

با نام‌های هویت، مقام، اعتبار، منزلت، افتخار، و استقلال از آن یاد کنند. بخش درخور توجهی از این هدف با نیل به قدرتی قابل حصول است که با آن بتوان بخش وسیع‌تری از نیازهای مادی و معنوی را رفع کرد. شاید مهم‌ترین ارزش محوری در تعریف ارائه شده برای توسعه آزادی باشد. آزادی در این تعریف به معنی احساس رهایی از وضعیت از خود بیگانه‌کننده زندگی مادی و بندگی طبیعت، جهل، انسان‌های دیگر، مصیبت، نهادها، و اعتقادات متحجرانه است. آزادی شامل دامنه وسیعی از انتخاب‌ها برای جوامع و اعضای آنهاست به هم‌راه حداقل شدن موانع خارجی برای نیل به اهدافی که به توسعه معروف‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، آزادی در این جا هر آن چیزی است که مانع استفاده انسان‌ها از استعدادهایشان برای نیل به حداکثر برخورداری در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی است. در واقع، ثروت ابزار مهمی برای گسترش دامنه انتخاب انسان است.

در مقایسه با فقر، ثروت به انسان قدرت بیش‌تری برای تسلط بر طبیعت و محیط مادی می‌دهد. ثروت هم‌چنین به افراد آزادی انتخاب، رفاه بیش‌تر، و یا برخورداری از کالا و خدمات بیش‌تر می‌دهد یا به او اختیار می‌دهد تا همه خواست‌های مادی را انکار کند و به یک زندگی کاملاً معنوی مشغول شود (Lewis 1954).

از نظر پاول استریتن: «توسعه هم به‌عنوان یک هدف و هم به‌عنوان یک فرایند شامل تحول اساسی هم در دیدگاه به زندگی و کار و هم در نهادهای اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی است» (Streeten 1981). اما شاید مهم‌ترین و دقیق‌ترین رکن از مفهوم توسعه و مطرح در ادبیات رایج مفهوم آزادی و نقش آن در فرایند توسعه باشد. این برداشت از توسعه خود را به اقتصاد محدود نمی‌کند، بلکه حوزه‌های غیراقتصادی را نیز در بر گرفته است. به‌علاوه، این نوع نگاه به اثرهای متقابل حوزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی نیز واضح اشاره کرده است. برخلاف گولت، آمارتیا سن (۱۹۹۸) مفهوم و جایگاه آزادی را به همه ابعاد زندگی جامعه بسط داد و توسعه را با آزادی برابر دانست. در این دیدگاه، تأکید بر آزادی‌های انسانی به‌منزله معیار شناخت توسعه با دیدگاه‌های محدودتر توسعه هم‌چون شناسایی توسعه با رشد تولید ناخالص ملی، افزایش درآمدهای شخصی، یا صنعتی کردن در تعارض قرار می‌گیرد. برطبق نظریه توسعه به‌مثابه آزادی،

توسعه را می‌توان فرایندی دانست که موجب گسترش آزادی‌هایی خواهد شد که موجب رضایت می‌شود. ... برای نیل به توسعه باید عواملی که باعث ازبین‌رفتن آزادی‌ها می‌شوند برچیده شوند. این عوامل عبارت‌اند از: فقر، استبداد، نبود فرصت‌های

اقتصادی، محرومیت‌های اجتماعی نظام‌مند، غفلت از بودجه‌های عمومی، ناشکیبایی، و یکه‌تازی دولت‌های سرکوب‌گر (Sen 2001).

در پرتو دیدگاه توسعه به‌مثابه آزادی، آمارتیا سن روشن می‌کند که با شیوه مرسوم نمی‌توان این نکته مهم را درک کرد که آزادی‌های اساسی شامل آزادی مشارکت سیاسی یا فرصت کسب آموزش و پرورش ابتدایی یا مراقبت‌های بهداشتی از جمله عناصر سازنده توسعه‌اند یا خیر. ارتباط آن‌ها با توسعه را نباید به‌طور ناآزموده‌ای از طریق مشارکت غیرمستقیم آن‌ها در رشد تولید ناخالص ملی یا پیشرفت صنعتی شدن اثبات کرد. این آزادی‌ها و حقوق در یاری به پیشرفت اقتصادی نیز بسیار مؤثرند و درحالی‌که رابطه علیّی بسیار زیادی بین آن‌ها برقرار است، دفاع از حقوق و آزادی‌هایی که این ارتباط علیّی را فراهم می‌آورند بیش‌تر و فراتر از نقش قوام‌بخش این آزادی‌ها در توسعه است. بخش دیگر به نام‌زونی بین درآمد سرانه (حتی پس از تعدیل برحسب تغییرات قیمت) و آزادی افراد در داشتن زندگی طولانی و خوب مربوط می‌شود. برای مثال، شهروندان گابن، آفریقای جنوبی، نامیبیا، یا برزیل ممکن است برحسب تولید ناخالص ملی سرانه بسیار ثروت‌مندتر از شهروندان سریلانکا، چین، و ایالت کرالا در هند باشند، اما شهروندان سریلانکا، چین، یا ایالت کرالا زندگی بسیار بهتری از شهروندان گروه نخست دارند. همین‌طور آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار مطلقاً بخت کم‌تری برای رسیدن به سنین سال‌خوردگی دارند تا اهالی بسیاری از جوامع جهان سومی هم‌چون چین یا سریلانکا یا بخش‌هایی از هند، اگرچه از مردم جهان سوم بسیار ثروت‌مندترند. بنابراین، نقش‌های ابزاری آزادی شامل عناصری متمایز اما به‌هم‌مرتبطی مانند آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی، عملکردهای شفاف، و امنیت حمایتی است. هریک از این انواع متمایز حقوق و فرصت‌ها به پیش‌برد قابلیت عمومی فرد کمک می‌کند. این حقوق ابزاری فرصت‌ها و استحقاق‌ها شدیداً به‌هم‌مرتبط‌اند و این ارتباط‌ها می‌توانند جهات متفاوتی به خود بگیرند. فرایند توسعه قویاً تحت‌تأثیر این ارتباط‌هاست. هم‌چنین ممکن است آن‌ها به تکمیل یک‌دیگر کمک کنند. سیاست‌های عمومی در بسط قابلیت‌های انسانی و آزادی‌های اساسی به‌طور کافی می‌توانند از طریق ترویج این آزادی‌های ابزاری مرتبط به‌هم کار کنند.

آزادی‌ها نه‌فقط هدف‌های اولیه توسعه‌اند، بلکه جزو ابزارهای اصلی توسعه‌اند. آزادی‌های سیاسی در شکل آزادی بیان و انتخابات به ترویج امنیت اقتصادی کمک می‌کنند. فرصت‌های اجتماعی در شکل تسهیلات آموزشی و بهداشتی مشارکت اقتصادی را تسهیل

می‌کند. تسهیلات اقتصادی در شکل فرصت‌های مشارکت در تجارت و تولید می‌تواند به ایجاد وفور امکانات شخصی و نیز تولید منابع عمومی برای تسهیلات اجتماعی یاری رساند. انواع مختلف آزادی‌ها می‌توانند به تقویت یک‌دیگر بینجامند. این ارتباط‌های تجربی اولویت ارزش‌گذاری را تقویت می‌کنند. با فرصت‌های اجتماعی کافی افراد می‌توانند به‌طور مؤثری به سرنوشت خود شکل بدهند و به یک‌دیگر کمک کنند. لازم نیست به افراد فقط به‌منزله دریافت‌کنندگان برنامه‌های توسعه نگاه شود. بیش‌تر موانع نامنی اقتصادی را می‌توان به فقدان حقوق و آزادی‌های مردمی نسبت داد. از آن‌جاکه آزادی‌های سیاسی و مدنی عناصر قوام‌بخش آزادی انسانی است، نفی آن‌ها نقص و معلولیت است. در بررسی نقش حقوق انسانی در توسعه باید به اهمیت قوام‌بخشی و ابزاری حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی توجه شود (ibid.).

دو دلیل متمایز برای اهمیت اساسی آزادی فردی در مفهوم توسعه وجود دارد که به‌ترتیب به ارزش‌یابی و مؤثر بودن مربوط می‌شوند. نخست این‌که، در رویکرد ارزشی آزادی‌های اساسی فردی نقش کلیدی دارد. در این دیدگاه موفقیت جامعه باید اساساً از طریق آزادی‌های اساسی افراد جامعه ارزیابی شود. این وضعیت ارزشی متفاوت از توجه اطلاعاتی رویکردهای ارزشی سنتی‌تر است که توجه خود را به متغیرهای دیگری هم‌چون مطلوبیت، آزادی در شیوه عمل، یا درآمد واقعی معطوف می‌کنند. دلیل دوم برای اهمیت زیاد آزادی سیاسی این است که این آزادی نه‌فقط مبنای ارزیابی موفقیت یا شکست است، بلکه عامل تعیین‌کننده اصلی برای ابتکار فردی و کارآمدی اجتماعی است. آزادی بیش‌تر توانایی مردم را در کمک به خودشان و نیز تأثیرگذاری در جهان افزایش می‌دهد؛ موضوعاتی که در فرایند توسعه مهم‌اند. در واقع مزایای تکثرگرایی مردمی گستره بسیار وسیعی دارد، اما به‌طور کاملاً بنیادی‌تر آزادی سیاسی و آزادی‌های مدنی مستقیماً به‌نوبه خود حائز اهمیت است. بنابراین، ضرورتی ندارد که غیرمستقیم برحسب تأثیر آن‌ها در اقتصاد توجیه شوند، حتی وقتی مردم بدون آزادی سیاسی یا حقوق مدنی با فقدان امنیت اقتصادی کافی مواجه نیستند و چه‌بسا از موقعیت اقتصادی مطلوبی نیز بهره‌مند باشند از آزادی‌های مهمی برای هدایت زندگی‌شان محروم‌اند و فرصت مشارکت در تصمیمات مهم مربوط به امور اجتماعی از آن‌ها سلب می‌شود. این محرومیت‌ها زندگی سیاسی و اجتماعی را محدود می‌کنند و باید به آن‌ها به‌صورت محرومیت‌های سرکوب‌گر نگریست، حتی اگر به مصائب دیگر هم‌چون بلایای اقتصادی منجر نشوند. درحقیقت، کارکرد نظام مردم‌سالار و حقوق سیاسی می‌تواند از مصائب اقتصادی پیش‌گیری کند. حاکمان اقتدارگرا و مستبد، که

خودشان به ندرت تحت تأثیر چنین مصائب اقتصادی قرار می‌گیرند، انگیزه اتخاذ اقدامات پیش‌گیری‌کننده زمانی را ندارند. در مقابل، دولت‌های مردمی باید بتوانند در انتخابات پیروز و با انتقادات عمومی مواجه شوند و انگیزه‌ای قوی برای اتخاذ اقداماتی به منظور اجتناب از چنین مصائبی دارند. تعجب‌آور نیست که هرگز در تاریخ آن بخش از جهان که حکومت مردم‌سالاری در آن کار می‌کند، چه به لحاظ اقتصادی ثروت‌مند و چه نسبتاً فقیر باشند، قحطی رخ نداده است. گسترش آزادی انسانی هم هدف و هم وسیله اصلی توسعه است. هدف توسعه به ارزش‌یابی آزادی‌های مردم مربوط می‌شود. سطوح درآمد واقعی مردم به این دلیل مهم‌اند که به آن‌ها فرصت‌های خرید کالاها و خدمات و برخورداری از سطوح زندگی حاصل از این خریدها را می‌دهند. اما سطوح درآمد اغلب راه‌نمای ناقصی برای موضوعات مهمی هم‌چون آزادی، برخورداری از طول عمر، توانایی گریز از امراض اجتناب‌ناپذیر، برخورداری از شغل ارزش‌مند، یا زندگی در اجتماعات آرام و به دور از جرم و جنایت‌اند. در این چشم‌انداز، باید به مردم به صورت افرادی نگریسته شود که در صورت داشتن فرصت فعالانه به شکل‌دهی سرنوشت خود مبادرت می‌ورزند.

سن نیز مانند ارسطو و مارکس معتقد است که آزادی هم ارزش ذاتی و هم ارزش ابزاری دارد. بخشی از زندگی خوب به زندگی‌ای اطلاق می‌شود که در انتخاب واقعی و اصیل وجود دارد نه زندگی‌ای که در آن فرد به اتخاذ سبک زندگی خاصی مجبور شود، حتی اگر در زمینه‌های دیگر زندگی غنی باشد. آزادی انتخاب در حقیقت ارزش‌مند است. آزادی‌ای که سن در این جا بر آن تأکید می‌ورزد به آزادی‌های منفی و نفی موانع آزاد محدود نمی‌شود، بلکه آزادی مثبت توانایی تحقق اهدافی است که فرد برای آن‌ها ارزش قائل است و بیش‌تر مورد تأکید است. سن معتقد است که وقتی می‌توان از نظم و نظام اجتماعی دفاع کرد که در آن آزادی دست‌یابی به هدف‌های ارزش‌مند برای همگان مهیا شده باشد. سن در بررسی رابطه توسعه و آزادی نشان می‌دهد که آزادی هم هدف اولیه توسعه و هم وسیله اصلی آن است و ارزیابی توسعه نمی‌تواند جدای از اثرهای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی بر زندگی مردم صورت گیرد (ibid.).

نهادهای اجتماعی گوناگون مرتبط با عملیات بازارها، امور اداری، قوه مقننه، احزاب سیاسی، سازمان‌های غیردولتی، قوه قضائیه، رسانه‌ها، و به‌طور کلی اجتماع به فرایند توسعه اقتصادی دقیقاً از طریق تأثیراتشان در گسترش و حفظ آزادی‌های فردی کمک می‌کنند. تجزیه و تحلیل توسعه مستلزم درکی جامع از نقش‌های مربوط به این نهادهای مختلف و تعاملات آن‌هاست. شکل‌گیری ارزش‌ها و ظهور و تکامل اخلاق اجتماعی نیز بخشی از فرایند توسعه

است که همراه با کارکرد بازارها و نهادهای دیگر نیازمند توجه است. این ویژگی آزادی است که جنبه‌های گوناگونی مرتبط با فعالیت‌ها و نهادهای مختلف دارد. شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد که هر کشوری چه مقدار از مسیر خود را برای رسیدن به بالاترین ارزش ممکن، یعنی یک، طی کرده است و امکان مقایسه کشورهای را فراهم می‌کند.

۲.۲ پیشینه پژوهش

سامتی و همکاران (Sameti et al. 2006) تأثیر آزادسازی اقتصادی در درآمد سرانه و رشد اقتصادی ۲۵ کشور منتخب طی دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۳ را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش آزادی اقتصادی رشد اقتصادی و درآمد سرانه کشورهای مورد بررسی افزایش داشته است. رزمی و همکاران (Razmi et al. 2009) اثر آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا و روش‌شناسی لاکاتوشی را بررسی کرده‌اند. در مدل مورد استفاده، ترکیبی از نمونه ۵۷ کشوری را طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۶ بررسی کرده‌اند. برای بررسی بهتر اثر نهادهای موجود در کشورها روی رابطه آزادی و رشد، کشورها به سه دسته کشورهای با کیفیت نهادی بالا، متوسط، و پایین طبقه‌بندی شده‌اند. نتیجه نشان‌دهنده رابطه مثبت آزادی و رشد اقتصادی با توجه به کارایی نهادهای هر جامعه است. همچنین چند زیرشاخص امنیت، حقوق مالکیت، ساختار قضایی، قانون کار، تجارت، و بازار اعتبار از زیرشاخص‌های شاخص کلی آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر، که به‌منزله نماینده آزادی اقتصادی در این تحقیق استفاده شده است، اثر مثبت و معناداری در رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. متفکر آزاد و همکاران (Motafaker Azad et al. 2013) تحلیل اثرهای هم‌زمان آزادی اقتصادی، توسعه انسانی، و آزادی سیاسی در کشورهای منتخب اسلامی در دوره زمانی ۲۰۰۱-۲۰۱۰ با استفاده از سیستم معادلات هم‌زمان داده‌های ترکیبی را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آزادی اقتصادی در توسعه انسانی اثرگذار و معنادار بوده است و موجب افزایش آن می‌شود، اما آزادی سیاسی تأثیری در شاخص توسعه انسانی نشان نمی‌دهد. شاه‌آبادی و بهاری (Shahabadi and Bahari 2014) تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه را با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آزادی اقتصادی و ثبات سیاسی در رشد اقتصادی این گروه از کشورها اثر مثبت داشته و معنادار است. رحمانی و همکاران (۱۳۹۲) تأثیر آزادسازی اقتصادی در نوسانات اقتصادی کشورهای منتخب

در حال توسعه را بررسی کرده‌اند. این موضوع برای ۴۸ کشور در حال توسعه و در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۰ ارزیابی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، با افزایش آزادی اقتصادی نوسانات در کشورهای در حال توسعه کاهش یافته است. مکیان و بی‌باک (Makian and Bibak 2015) تأثیر حکمرانی خوب در توسعه انسانی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، تأثیر شاخص حکمرانی خوب در شاخص توسعه انسانی در دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۲ در دو گروه کشورهای منتخب اسلامی و کشورهای OECD بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که در کشورهای OECD بین شاخص حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی با توسعه انسانی رابطه برقرار است، اما در کشورهای اسلامی این رابطه از نظر آماری معنادار نیست. هکلمن (Heckelman 2000) در مقاله «آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی: بررسی علی کوتاه‌مدت» رابطه علی آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی را بررسی کرده است. شاخص آزادی اقتصادی به‌کاررفته در این مقاله شاخص بنیاد هریتیج است که مقطعی و برای ۱۴۷ کشور انجام شده است. نتیجه نشان می‌دهد، تمامی متغیرهای آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی مقدم‌اند و رشد فقط علت دو جزء از ده جزء شاخص هریتیج یعنی سیاست تجاری و مالیات‌هاست. کارلسون و لانداستروم (Carlsson and Lundstrom 2002) در مقاله «آزادی اقتصادی و رشد: تجزیه تحلیل اثرات»، اثر آزادی اقتصادی در رشد در ۷۴ کشور طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۵ را بررسی کرده‌اند. متغیر مستقل مورد استفاده در این مدل، علاوه بر شش جزء شاخص آزادی اقتصادی، شامل اندازه دولت، آزادی استفاده اعتبارات، آزادی تجارت با خارجی‌ها، ساختار قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت، ساختار بازار، سیاست پولی و پایداری قیمت‌ها، و آزادی مبادله در بازار سرمایه شامل متغیر متوسط تشکیل سرمایه است. نتیجه اثر اجزای آزادی اقتصادی در رشد در این مقاله به این صورت است که ساختار بازار، آزادی استفاده از اعتبارات، ساختار قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت، و آزادی مبادله در بازار سرمایه اثر مثبت و اندازه دولت و آزادی تجارت با خارجی‌ها اثر منفی در رشد اقتصادی داشتند و متغیر سیاست پولی و ثبات قیمت‌ها بی‌معنی به‌دست آمد. لیپفورد (Lipford 2007) ارتباط شاخص آزادی جهانی و عملکرد اقتصادی در ۸۷ کشور منتخب را در دوره زمانی ۱۹۷۰-۲۰۰۰ بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد، افزایش آزادی اقتصادی باعث افزایش ثبات در کشورها شده است و کیفیت استاندارد زندگی را افزایش می‌دهد. گارتنی و لاسن (Gwartney and Lawson 2008) در مطالعه‌ای بدین نتیجه رسیدند که کشورهایی که بالاترین درجه آزادی اقتصادی را در دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۵

داشته‌اند به نرخ رشد متوسط سالانه $\frac{2}{4}$ درصد از GDP سرانه طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۴ دست یافته‌اند. هریستوا (Hristova 2012) جهت علیت بین آزادی و رشد اقتصادی ۹۱ کشور در بازه زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۲ را بررسی کرده است. نتایج حاکی از آن است که جهت علیت بین آزادی و رشد اقتصادی چندبعدی و مبهم است. کمپل و اشنایدر (۲۰۱۲) تأثیر رشد شاخص آزادی اقتصادی جهانی در نوسانات اقتصادی در ۱۰۹ کشور در دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۰۵ را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش آزادی اقتصادی جهانی می‌تواند نوسانات در کشورهای با حقوق مالکیت و ساختار قانونی ضعیف را کاهش دهد. ارشاد حسین و هاگ (Hussain and Haque 2016) تأثیر زیرشاخه‌های آزادسازی اقتصادی و رشد اقتصادی برای ۵۷ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۴ را بررسی کرده‌اند. نتایج ارتباط قوی بین آزادی تجاری، آزادی مالی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی کسب‌وکار، و رشد اقتصادی را نشان می‌دهد. تورن و همکاران (Türen et al. 2016) تأثیر فناوری اطلاعات و آزادی اقتصادی در شاخص توسعه انسانی را بررسی کرده‌اند. به این منظور، با استفاده از اطلاعات ۱۱۸ کشور برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۱ با روش داده‌های ترکیبی مدل را برآورد کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش آزادی اقتصادی و فناوری اطلاعات باعث افزایش توسعه انسانی شده است.

۳. معرفی داده‌ها و متغیرهای مدل

به‌منظور بررسی اهداف تحقیق با استفاده از مطالعات انجام‌شده و بررسی عوامل تأثیرگذار در توسعه انسانی، آمار و اطلاعات زیر در دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۵ و برای ۱۴۷ کشور استخراج شده است. کلیه داده‌ها، به‌غیر از شاخص کیفیت حکمرانی، به‌دلیل وجود اعداد منفی به‌صورت لگاریتم در مدل استفاده می‌شوند. بر این اساس، آمارها در این تحقیق به‌صورت زیر تعریف می‌شود.

۱.۳ متغیر وابسته

۱.۱.۳ شاخص توسعه انسانی (Human Development Index/ HDI)

شاخص توسعه انسانی شاخصی ترکیبی برای سنجیدن موفقیت در هر کشور در سه معیار پایه از توسعه انسانی شامل زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت، و سطح

زندگی مناسب است (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (Human Development Reports) of United Nations Development Programme 1990)). این شاخص میانگین هندسی موفقیت‌های به‌دست‌آمده در هر کشور در سه بعد اصلی توسعه انسانی یعنی زندگی طولانی و سالم، دستیابی به دانش، و استانداردهای زندگی آبرومندانانه را اندازه می‌گیرد. ارزش عددی شاخص توسعه انسانی بین صفر تا یک است. در گزارش توسعه انسانی، کشورها را براساس میزان شاخص توسعه انسانی به کشورهای با توسعه انسانی بسیار زیاد (بالای ۰/۸)، کشورهای با توسعه انسانی زیاد (۰/۷-۰/۸)، کشورهای با توسعه انسانی متوسط (۰/۵۵-۰/۷)، و کشورهای با توسعه انسانی کم ($0/55$) تقسیم می‌کنند.

۲.۳ متغیرهای مستقل

۱.۲.۳ شاخص آزادی اقتصادی (Economic Freedom Index/ EFI)

آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله، و واگذاری دارایی‌های شخصی است که قانونی به‌دست آورده‌اند (Bronfenbrenner 1955). بنیاد هریتیج (Heritage) آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که برطبق آن افراد آزادند کالاها و خدمات را تولید، توزیع، و مصرف کنند (Gwartney et al. 2008). به‌نظر طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، از آن‌جا که آزادی «نبود الزام، فشار، یا محدودیت در انتخاب عمل» است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع، و مصرف کالاها و خدمات است، می‌توان آزادی اقتصادی را «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع، و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد (Johnson et al. 2002). بنیاد هریتیج شاخص آزادی اقتصادی را براساس مقادیر پنجاه متغیر اقتصادی که در ده طبقه اصلی تقسیم شده‌اند، برای کشورهای گوناگون محاسبه و ارائه کرده است. چهار شاخه اصلی شامل حاکمیت قانون (Rule of Law/ ROL)، دولت محدود (Limited Government/ LG)، اثربخشی تنظیم مقررات (Regulatory Efficiency/ RE)، و بازار باز (Open Markets/ OM) است. با استفاده از این اطلاعات در هر گروه اصلی از متغیرها برای هر کشور نمره‌های از یک تا صد که نشان‌دهنده سطح حمایتی خیلی کم، کم، متعادل، زیاد، و خیلی زیاد تعیین شده است و میانگین این نمره‌ها نمره نهایی هر کشور را در فهرست نهایی به‌دست می‌دهد. کم‌ترین نمره، یعنی یک، نشان‌دهنده حداقل آزادی اقتصادی و بالاترین نمره، یعنی صد، نشان‌دهنده حداکثر آزادی اقتصادی در کشور است (گزارش سالانه آزادی اقتصادی، بنیاد هریتیج (Heritage 2008)).

۲.۲.۳ شاخص آزادی سیاسی (FWI)

شاخص آزادی، که خانه آزادی (freedom house) هر ساله در قالب گزارش آزادی در جهان منتشر می‌کند، میزان حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در کشورهای گوناگون را بررسی می‌کند. شاخص آزادی سیاسی این نکته را بررسی می‌کند که آیا استانداردهای حقوق بشر مندرج در اعلامیه فارغ از موقعیت جغرافیایی، ترکیب نژادی و دینی، یا توسعه اقتصادی کشورها در آنها اعمال شده است یا خیر؟ براساس این شاخص، وضعیت آزادی هر کشور از ترکیب دو شاخص حقوق سیاسی (Political Rights/ PR) و آزادی‌های مدنی (Civil Liberties/ CL) به دست می‌آید و در نهایت هر کشور در یکی از طبقات آزاد (free)، نسبتاً آزاد (partly free)، و غیرآزاد (not free) جای می‌گیرد. شاخص‌های حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی برای هر کشور از یک تا هفت امتیازدهی می‌شوند که عدد یک نشان‌دهنده حداکثر آزادی و عدد هفت نشان‌دهنده حداقل آزادی است (گزارش سالیانه آزادی در جهان، خانه آزادی، ۲۰۱۵). از دیگر شاخص‌های سیاسی مورد استفاده در این تحقیق از این مؤسسه، شاخص آزادی مطبوعات (Freedom of the Press/ FOP) است. شاخص آزادی مطبوعات نشان‌دهنده درجه آزادی روزنامه‌نگاران، خبرگزاری‌ها، و سازمان‌های اطلاع‌رسانی و شهروندان هر کشور و همچنین تلاش حکومت‌ها برای تضمین احترام به این آزادی‌هاست. براساس این شاخص، کشورها از یک تا صد نمره‌گذاری می‌شوند. در این رتبه‌بندی، همانند شاخص‌های قبل، کشورها به سه دسته «آزاد»، «تاحدودی آزاد»، و «غیرآزاد» تقسیم شده‌اند و هرچه نمره کشوری کم‌تر باشد، آزادی مطبوعات در آن کشور بیش‌تر است (Karlekar 2003).

۳.۲.۳ شاخص کیفیت حکمرانی (Worldwide Governance Indicators/ WGI)

هدف دستیابی به شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسب برای سنجش کیفیت حکمرانی است، به گونه‌ای که بتوان با استفاده از آن نحوه اثرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی در عملکرد اقتصادی، سیاسی، و توسعه‌ای را بررسی کرد. در پاسخ به این نیاز، سازمان‌های متعدد بین‌المللی با برشمردن ویژگی‌های متنوع برای کیفیت حکمرانی به تهیه شاخص‌هایی اقدام کرده‌اند. ما در این مطالعه از میان شاخص‌ها از شش شاخص حکمرانی خوب، که بانک جهانی گردآوری می‌کند، استفاده می‌کنیم. این شاخص

«کیفیت حکمرانی» است و براساس چندصد متغیر اندازه‌گیری عملکرد حکومت و مشتق شده از ۲۵ منبع داده مختلف به دست می‌آید. کافمن (Kaufmann Daniel)، کری (Aart Kraay)، و ماستروزی (Massimo Mastruzzi) از بنیان‌گذاران این شاخص برای بانک جهانی‌اند و این شاخص به KKM معروف است (Kraay et al. 2003). احتمال وقوع هریک از این موارد از جانب تدوین‌کنندگان شاخص بررسی و در مجموع میانگین آن برای هر کشور محاسبه شده است. دامنه تغییرات این شاخص‌ها بین $-۲/۵$ و $+۲/۵$ است که مقادیر بالا بیان‌گر کیفیت حکمرانی بهتر و مقادیر پایین بیان‌گر کیفیت حکمرانی ضعیف کشورهاست.

۴.۲.۳ شاخص آزادی انسانی (Human Freedom Index/ HFI)

شاخص آزادی انسانی را مؤسسه کاتو (Cato institute) از سال ۲۰۰۸ و برای ۱۵۲ کشور ارائه کرده است. آزادی انسانی تعریف شده از جانب مؤسسه کاتو و همکاران نبود محدودیت اجباری تعریف شده است، به طوری که به کشورهای با درجه آزادی بالا نمره ده و کشورهای با درجه آزادی پایین نمره کم‌تری تعلق می‌گیرد. این شاخص برپایه آزادی‌های شخصی، مدنی، و اقتصادی تدوین می‌شود. شاخص آزادی شخصی مهم‌ترین بخش از سری شاخص‌های تولیدشده مؤسسه کاتو و همکاران است که در این تحقیق استفاده شده است.

۴. برآورد مدل

۱.۴ آزمون ایستایی

برای بررسی آزمون پایایی در متغیرها در این تحقیق از آزمون‌های پایایی در داده‌های ترکیبی شامل لین، لوین، و چو (Levin et al. 2002)، ایم، پسران، و شین (Im et al. 2003)، دیکی فولر تعمیم‌یافته (Augmented Dickey-Fuller)، و فیلیپس - پرون (Philips-Perron) با کمک نرم‌افزار Eviews9 استفاده می‌شود. هم‌چنین برای تعیین طول وقفه بهینه از آماره شوارتز بیزین (Schwarz Bayesian) استفاده خواهد شد. رابطه موردآزمون در این تحقیق براساس سه نوع رابطه بدون عرض از مبدأ و بدون روند، با عرض از مبدأ و بدون روند، و با عرض از مبدأ و با روند انجام می‌شود که در بهترین حالت نتیجه آن منعکس می‌شود. نتایج آزمون پایایی در ۰ نشان داده شده است.

بررسی تأثیر آزادی‌های سیاسی، اقتصادی، و شخصی در توسعه ... ۳۰۱

جدول ۱. نتایج آزمون پایایی متغیرهای تحقیق

متغیرها	آزمون‌ها	لین، لوین، و چو	Prob (LLC)	ایم، پسران، و شین	Prob (IPS)	دیکی فولر تعمیم‌یافته	Prob (ADF)	فیلیس - پرون	Prob (PP)	
فرضیه صفر آزمون‌ها: ریشه واحد وجود دارد (غیر پایاب بودن متغیرها)										
آماره‌ها		t	w	χ^2	χ^2					
متغیر وابسته	توسعه انسانی	۰/۰۰	-۱۲/۶	۰/۰۰	۷۳۵	۰/۰۰	۹۰۰	۰/۰۰		
	حاکمیت قانون	۰/۰۰	-۱۷/۵	۰/۰۰	۷۳۳	۰/۰۰	۷۴۳	۰/۰۰		
	دولت محدود	۰/۰۰	-۱۳/۸	۰/۰۰	۷۶۳	۰/۰۰	۸۶۹	۰/۰۰		
	اثر بخشی تنظیم مقررات	۰/۰۰	-۱۲/۶	۰/۰۰	۷۴۶	۰/۰۰	۸۷۲	۰/۰۰		
	آزادی بازار	۰/۰۰	-۱۳/۸	۰/۰۰	۷۷۵	۰/۰۰	۸۸۴	۰/۰۰		
	عدم آزادی سیاسی	حقوق سیاسی	۰/۰۰	-۳۲/۷	۰/۰۰	۶۲۷	۰/۰۰	۶۳۶	۰/۰۰	
		آزادی‌های مدنی	۰/۰۰	-۳۴/۴	۰/۰۰	۶۵۵	۰/۰۰	۶۷۲	۰/۰۰	
		آزادی مطبوعات	۰/۰۰	-۲۸/۵	۰/۰۰	۵۴۵	۰/۰۰	۵۷۸	۰/۰۰	
	سایر آزادی‌ها	شاخص کیفیت حکم‌رانی	۰/۰۰	-۸/۳	۰/۰۰	۵۹۴	۰/۰۰	۶۰۶	۰/۰۰	
		شاخص آزادی شخصی	۰/۰۰	-۱۱/۶	۰/۰۰	۶۸۸	۰/۰۰	۷۲۹	۰/۰۰	

مأخذ: نتایج پژوهش

همان‌طور که از جدول ۱ مشخص است، آزمون پایایی پایاب بودن متغیرها را در سطح مورد تأیید قرار می‌دهد.

۲.۴ نتایج آزمون تشخیصی

به منظور تشخیص نوع مدل از آزمون چاو (Chow Test) (به منظور انتخاب بین مدل تلفیقی در مقابل مدل اثر ثابت)، آزمون LM بروش - پاگان (Breusch-Pagan LM test) (به منظور

انتخاب مدل تلفیقی در مقابل مدل اثر تصادفی و هم‌چنین تشخیص ناهم‌سانی واریانس)، و هاسمن (Hausman) (به‌منظور انتخاب بین مدل اثر تصادفی در مقابل مدل اثر ثابت) استفاده شده است (Breusch and Pagan 1980). نتایج آزمون‌های تشخیصی در * نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون‌های تشخیصی

نتیجه آزمون	Prob	آماره	آزمون تشخیصی		
مدل اثر ثابت پذیرفته می‌شود.	۰/۰۰	۹۳۴	مقطع	چاو	نوع مدل
دوره زمانی تلفیقی پذیرفته می‌شود.	۰/۹۹	۰/۱	دوره زمانی		
مقطع اثر تصادفی پذیرفته می‌شود.	۴/۷۴	۳۹۵۶	مقطع	بروش - پاگان	
دوره زمانی تلفیقی پذیرفته می‌شود.	۰/۱	۴/۳۲	دوره زمانی		
مقطع اثر ثابت پذیرفته می‌شود.	۰/۰۰	۱۳۷/۸	مقطع	هاسمن	
قابل محاسبه نیست.*	-----	-----	دوره زمانی		

مأخذ: نتایج پژوهش

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، براساس آزمون‌های چاو، بروش - پاگان، و هاسمن مدل اثر ثابت برای مقطع و تلفیقی (بدون اثر) برای دوره زمانی تعیین شده است. براساس مطالعات پسران (Pesaran Scaled LM 2004) مشخص شد که ممکن است جملات اخلاص در برآورد معادلات ترکیبی دارای عدم خودهمبستگی باشد، اما بین جملات اخلاص در مقاطع مختلف به‌نوعی خودهمبستگی برقرار شود (Pesaran 2004). بر این اساس، آماره‌های LM بروش - پاگان (۱۹۸۰)، LM مقیاس‌بندی‌شده پسران (۲۰۰۴)، CD پسران (Pesaran CD 2004)، و LM مقیاس‌بندی‌شده Baltagi, Feng, and Kao Bias-corrected (۲۰۱۲) تصریح شده است (برای جزئیات بیشتر به مقاله‌های مربوطه مراجعه شود) (Baltagi et al. 2012). به این ترتیب، رد فرضیه صفر به‌معنی وجود خودهمبستگی بین مقاطع است که در این صورت استفاده از برآوردگر OLS دچار اریب می‌شود. در چنین مواردی از روش (Generalized Least Squares) GLS استفاده می‌شود (Pesaran 2004). نتایج بررسی وجود خودهمبستگی جملات اخلاص مقاطع مختلف برای مدل اثر ثابت مقطعی در * نشان داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های خودهمبستگی بین جملات اخلال در مقاطع

خودهمبستگی بین مقاطع وجود دارد.	۰/۰۰	۱۲۸۷۰	بروش - پاگان	خودهمبستگی بین مقاطع
خودهمبستگی بین مقاطع وجود دارد.	۰/۰۰	۱۴/۷	پسران مقیاس بندی شده	
خودهمبستگی بین مقاطع وجود دارد.	۰/۰۰	۱۱/۳	CD پسران	

مأخذ: نتایج پژوهش

براساس نتایج، بین جملات اخلال در مقاطع مختلف خودهمبستگی برقرار است که برای رفع آن می‌بایست از روش GLS استفاده کرد.

۳.۴ برآورد مدل

طبق نتایج آزمون‌های تشخیصی، مدل لگاریتمی - خطی اثر ثابت مقطعی که با استفاده از روش GLS بر پایه وزن مقاطع (cross-section weights) برآورد شده است، به صورت زیر تصریح می‌شود:

$$y_{it} = (\beta_1 + u_i) + x'_{it}\beta + e_{it}$$

که در آن متغیر وابسته، بردار متغیرهای مستقل، جمله اخلال، ضرایب رگرسیون به غیر از جمله ثابت، جزء خطای یک طرفه، و مقدار ثابت رگرسیون است. براساس آنچه تاکنون بیان شد، y_{it} شاخص توسعه انسانی (HDI) و x'_{it} بردار متغیرهای آزادی شامل:

$$x'_{it} = f(\text{ROL, LG, RE, OM, CL, PR, FOP, WGI, PFI})$$

است.

نتیجه مدل برآوردی براساس روش متغیر مجازی (Least Squares Dummy Variable/ LSDV) در ۰ نشان داده شده است. هم‌چنین در این جدول آزمون خودهمبستگی والد وولدریج (Wald Wooldridge's Test 2010) به منظور بررسی خودهمبستگی زمانی در مدل اثر ثابت گزارش شده است. براساس این آزمون:

$$y_{it} = x'_{it}\beta + u_i + e_{it} \Rightarrow e_{it} = \rho e_{it-1} + \xi_{it},$$

$$Wald_{fixed\ effects} \rho = \frac{-1}{T-1} \square F, |\rho| < 1$$

در صورت تخمین مدل اثر ثابت می‌توان با استفاده از رگرسیون AR(1) و انجام آزمون والد برای ضریب خودرگرسیون خودهمبستگی را بررسی کرد.

جدول ۴. نتایج برآورد انواع آزادی بر توسعه انسانی ۱

روش برآورد: Panel EGLS (Cross-section weights)				
متغیر وابسته: شاخص توسعه انسانی (HDI)				
احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیرها
۰/۰۰	۱۸/۴	۰/۰۰۸	۰/۱۵	حاکمیت قانون
۰/۰۰	-۱۴/۶	۰/۰۰۸	-۰/۱۳	دولت محدود
۰/۰۰	۲۰/۴	۰/۰۲	۰/۴۴	اثر بخشی تنظیم مقررات
۰/۰۰	۷/۴	۰/۰۱	۰/۰۹	آزادی بازار
۰/۰۰	-۴/۹	۰/۰۰۵	-۰/۰۲	آزادی‌های مدنی
۰/۰۰	-۸/۸	۰/۰۰۶	-۰/۰۶	حقوق سیاسی
۰/۰۰	۱۶/۳	۰/۰۰۷	۰/۱۲	آزادی مطبوعات
۰/۰۰	۱۹/۱	۰/۰۰۲	۰/۰۴	شاخص کیفیت حکمرانی
۰/۰۰	۱۰/۹۵	۰/۰۳	۰/۳۴	شاخص آزادی شخصی
۰/۰۰	-۴۲/۶	۰/۰۸	-۳/۲	ضریب مستقل
			۰/۹۴	ضریب تعیین (R^2)
			۲۱۵۱	آماره F
			(۰/۰۰)	(احتمال)
			۲/۱	آماره دوربین - واتسون
			$F = ۰/۰۶$ Prob (۰/۸)	آزمون خودهمبستگی وولدریج

مأخذ: نتایج پژوهش

همان‌طور که از نتایج برآورد معادله پیداست، ضرایب معناداری بسیار بالایی دارند. به طوری که تمامی ضرایب در سطح یک درصد آماری معنادار شده‌اند. ضریب تعیین ۹۴ درصد به دست آمده است که نشان می‌دهد ۹۴ درصد از تغییرات شاخص توسعه انسانی از طریق متغیرهای آزادی قابل توضیح و تفسیر است. ضریب F معناداری کلی رگرسیون را مورد تأیید قرار می‌دهد و دوربین واتسون و آزمون وولدریج عدم خودهمبستگی جملات اخلال را اثبات می‌کند.

براساس نتایج، تنظیم مقررات و شاخص آزادی شخصی بیش‌ترین اثربخشی را در شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد. بررسی شاخص‌های آزادی اقتصادی نشان می‌دهد که هر چهار شاخص آزادی اقتصادی با مبانی نظری مطابقت دارد، به‌طوری‌که حاکمیت قانون، اثربخشی تنظیم مقررات، و آزادی بازار اثر مثبت و دولت محدود اثر منفی بر شاخص توسعه انسانی دارد. به‌عبارتی، افزایش قانون‌مندی در بین جامعه و دولت که خود به حقوق مالکیت و آزادی از فساد اقتصادی اشاره می‌کند، بهبود تنظیم مقررات که بر آزادی‌های کسب‌وکار نیروی کار اشاره دارد، بهبود آزادی بازار که بر آزادی‌های تجاری، سرمایه‌گذاری، و دارایی اشاره می‌کند، و کاهش دخالت دولت در اقتصاد که خود بر آزادی مالی و مخارج دولت تکیه دارد موجبات بهبود توسعه انسانی و به‌تبع آن توسعه خواهد شد. بررسی شاخص‌های آزادی سیاسی نشان می‌دهد که هر دو شاخص آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی اثر مثبت و شاخص آزادی مطبوعات در شاخص توسعه انسانی اثر منفی داشته است.^۲

تأثیر منفی آزادی مطبوعات در شاخص توسعه انسانی نکته‌ای کلیدی و درعین‌حال بسیار مهم را روشن می‌کند. بیان دلایل چرایی این نتیجه به تحقیقی مجزا نیاز دارد، اما به‌نظر می‌رسد برخی از آزادی‌ها در بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه، حداقل در کوتاه‌مدت، نتایجی مشابه کشورهای توسعه‌یافته کنونی نداشته باشد. درواقع، آمادگی نداشتن افراد این جوامع در بهره‌گیری از انواع آزادی‌ها در مسیر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت ممکن است هزینه‌هایی برای این کشورها داشته باشد و به اختلال در روند توسعه آن‌ها منجر شود. بررسی شاخص‌های کیفیت حکمرانی نیز نشان می‌دهد که این متغیر اثر مثبتی در شاخص توسعه انسانی دارد. همان‌طور که آمارتیا سن پیش‌بینی می‌کند، وجود حکومت‌های سرکوب‌گر و فاسد می‌تواند آزادی‌ها را کاهش دهد و باعث کاهش توسعه انسانی شود. باتوجه‌به این‌که این متغیر خود بر متغیرهای دولتی مهمی هم‌چون حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و کنترل فساد تأثیر دارد، اهمیت نقش کیفیت حکمرانی می‌تواند دوچندان شود. براساس این نتیجه، با افزایش آزادی شخصی توسعه انسانی افزایش یافته است. بسیاری از آزادی‌های شخصی مانند آزادی زنان، آزادی مذاهب، آزادی جنبش‌ها، آزادی اطلاعات، و آزادی اتحادیه‌ها و امنیت، که در توسعه انسانی اثر مثبت دارد، نشان از اهمیت این شاخص است.

۵. نتیجه‌گیری

سن (۱۹۹۸) توسعه را برابر با آزادی می‌داند و معتقد است که برای دستیابی کشورها به توسعه می‌بایست عوامل محدودیت آزادی‌های انسانی برداشته شود. مدت زیادی از این نظریه می‌گذرد، اما تحقیق‌های تجربی، که این نظریه را به‌طور خاص و توأم با اجزای آزادی بررسی می‌کند، اندک و محدود بوده است. بر این اساس، هدف اصلی در این تحقیق بررسی تجربی نظریه «توسعه به مثابه آزادی» آمارتیا سن است. به عبارتی، آیا براساس آمار و اطلاعات می‌توان رابطه معناداری بین انواع آزادی‌ها با توسعه انسانی، به‌منزله شاخصی برای توسعه‌یافتگی، دست پیدا کرد؟ یا ارتباط معناداری بین انواع آزادی‌ها و توسعه‌یافتگی دیده نمی‌شود؟

بدین منظور سعی شده است با استفاده از متغیرهای تعیین‌کننده شاخص‌های آزادی اقتصادی (حاکمیت قانون، دولت محدود، اثربخشی تنظیم مقررات، و آزادی بازار) و آزادی سیاسی (آزادی‌های مدنی، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات، متغیرهای کیفیت حکمرانی، و آزادی‌های شخصی) تأثیر این دو شاخص در توسعه انسانی در ۱۴۷ کشور جهان و برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۵ آزمون شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، تمامی متغیرهای (عناصر) تشکیل‌دهنده شاخص‌های آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی در شاخص توسعه انسانی تأثیر معنادار دارند. باین‌حال، تنظیم مقررات و آزادی شخصی بیش‌ترین اثرگذاری را در شاخص توسعه انسانی نشان می‌دهد. بررسی شاخص‌های آزادی اقتصادی نشان می‌دهد، افزایش قانون‌مندی در بین جوامع و دولت، بهبود تنظیم مقررات، بهبود آزادی بازار، و کاهش دخالت دولت در اقتصاد موجب بهبود توسعه انسانی خواهد شد. بررسی شاخص‌های آزادی سیاسی نشان می‌دهد، هر دو شاخص آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی اثر مثبت و شاخص آزادی مطبوعات در شاخص توسعه انسانی اثر منفی داشته است. بررسی شاخص‌های کیفیت حکمرانی نیز نشان می‌دهد، این متغیر اثر مثبتی در شاخص توسعه انسانی دارد و آزادی شخصی با رابطه مستقیم یکی از عوامل مؤثر در توسعه انسانی است. بنابراین، باتوجه‌به نتایج، فرضیه اصلی این تحقیق، که آزادی بر توسعه انسانی تأثیرگذار است، در قالب بررسی انواع آزادی‌های شخصی، سیاسی، اقتصادی، و حکمرانی مورد تأیید قرار می‌گیرد. باتوجه‌به آمار و اطلاعات در دسترس، نظریه توسعه به مثابه آزادی آمارتیا سن مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۶. پیش‌نهادها

از آن‌جا که نیل به هر هدفی نیازمند فراهم‌آمدن پیش‌نیازهای ضروری آن هدف است، دستیابی جوامع به شاخص‌های توسعه نیز مستلزم پیش‌نیازهایی است. اولین پیش‌نیاز خواست توسعه و آمادگی برای پرداخت هزینه‌های نیل به آن است. براساس نتایج این تحقیق، اگر حاکمیت‌های جوامع مختلف، به‌خصوص کشورهای در حال توسعه، رشد و رفاه اقتصادی را هدف خود قرار داده‌اند، باید این آمادگی را داشته باشند تا به‌مرور آزادی در ابعاد مختلف را در جامعه گسترش دهند. این روند ممکن است به کاهش اختیارات حاکمان جامعه یا بعضاً کندشدن روند رشد اقتصادی منتهی شود، اما برای نیل به پیشرفت جامعه حاکمیت باید کاهش اختیارات را هزینه نیل به رفاه اقتصادی و رضایت جامعه تلقی و تحمل کند. منفی‌بودن رابطه آزادی مطبوعات و شاخص توسعه انسانی در این تحقیق می‌تواند بخشی از هزینه‌های گسترش آزادی‌های سیاسی اجتماعی تلقی شود که به دلیل عدم بلوغ و آمادگی برخی صنوف در بهره‌مندی از آزادی‌ها در جهت منافع جامعه باشد. از سوی دیگر، همان‌طور که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، حاکمیت خوب از عناصر اصلی نیل به شاخص‌های توسعه است. در واقع حاکمیت خوب، که پیشرفت و رفاه اقتصادی جامعه را بر منافع شخصی و گروهی خود ترجیح می‌دهد، هزینه‌های نیل به توسعه یعنی کاهش اختیارات خود را پذیرفته است و زمینه گسترش آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی لازم برای توسعه را فراهم خواهد کرد. رعایت حقوق مالکیت، تلاش در جهت کاهش یا محو فساد در دستگاه‌های دولتی و حکومتی، گسترش آزادی‌های اقتصادی (پولی، مالی، تجاری، و سرمایه‌گذاری)، سیاسی، و مدنی و شهروندی (آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات، وجود اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی و سیاسی مسالمت‌آمیز، و آزادی مذاهب) از جمله این آزادی‌هاست. بدیهی است، زمینه گسترش چنین آزادی‌هایی وقتی فراهم است که دولت‌های خوب و پاسخ‌گو همراه با ثبات سیاسی و امنیت بالا بر جامعه حاکم باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گفتنی است که در ابتدا مدل برای ۱۷۲ کشور و برای دوره زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۵ و بدون حضور آزادی شخصی انجام شد که نتایج بسیار نزدیک به این پانل تحقیق را نشان می‌داد و تصمیم گرفته شد که فقط از همین پانل برای تخمین و تفسیر استفاده شود.

۲. باتوجه به این که شاخص آزادی سیاسی به صورت عکس یعنی عدم آزادی سیاسی تعریف شده است، تفسیر ضرایب عکس انجام می‌شود.

References

- Baltagi, B. H., Q. Feng, and C. Kao (2012), "A Lagrange Multiplier Test for Cross-Sectional Dependence in a Fixed Effects Panel Data Model", *Journal of Econometrics*, 170(1).
- Breusch, A. and A. Pagan (1980), "Lagrange Multiplier Test and its Applications to Model Specification in Econometrics", *Review of Economic Studies*, 47(1).
- Bronfenbrenner, M. (1955), "Two Concepts of Economic Freedom", *Ethics*, 65(3), doi:10.1086/290998. JSTOR 2378928.
- Carlsson, F. and S. Lundström (2002), "Economic Freedom and Growth: Decomposing the Effects", *Public Choice*, 112(3-4).
- Gwartney, J., R. Lawson, and S. Norton (2008), *Economic Freedom of the World: 2008 Annual Report*, Canada: The Fraser Institute.
- Heckelman, J. C. (2000), "Economic Freedom and Economic Growth: A Short-Run Causal Investigation", *Journal of Applied Economics*, 3(1).
- Hristova, K. (2012), *Does Economic Freedom Determine Economic Growth? A Discussion of the Heritage Foundation's Index of Economic Freedom* (MA 01075), Mount Holyoke College South Hadley, A Thesis Submitted to the Faculty of Mount Holyoke College.
- Hussain, M. E. and M. Haque (2016), "Impact of Economic Freedom on the Growth Rate: A Panel Data Analysis", *Economies*, 4(2), doi:10.3390/economies4020005.
- Im, K. S., M. H. Pesaran, and Y. Shin (2003), "Testing for Unit Roots in Heterogeneous Panels", *Journal of Econometrics*, 115(1).
- IZA Discussion Paper No. 1240, Available at SSRN: <<https://ssrn.com/abstract=572504>>.
- Johnson, M. D., A. Herrmann, and A. Gustafsson (2002), "Comparing Customer Satisfaction Across Industries and Countries", *Journal of Economic Psychology*, 23(6).
- Karlekar, K. D. (2003), *Freedom of the Press, A Global Survey of Media Independence*, Lanham et al.
- Kraay, A., M. Mastruzzi, and D. Kaufmann (2003), "Governance Matters III: Governance Indicators for 1996-2002", *Informe de Investigación* no. WPS, 3106.
- Landy, M. K. (1972), "The Cruel Choice: A New Concept in the Theory of Development by Denis Goulet (Atheneum; 362 pp.; \$12.50)", *Worldview*, 15(2).
- Levin, Andrew, Chien-Fu Lin, and Chia-Shang James Chu (2002), "Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-Sample Properties", *Journal of Econometrics*, 108(1).
- Lewis, W. A. (1954), "Economic Development with Unlimited Supplies of Labour", *The Manchester School*, 22(2).
- Lewis, W. A. (1955), *The Theory of Economic Growth*, Allen and Unwin Ltd., London
- Lipford, J. W. (2007), "Short Run Macroeconomic Performance and Economic Freedom: Can Economic Growth Rates Be Higher and More Stable", *Journal of Private Enterprise*, 23(1).

- Makian, S. N. and M. Bibak (2015), "The Effect of Good Governance on Human Development: An Cross-Country Analysis", *Economic Modeling Quarterly*, 9(30):
<<http://eco.iaufb.ac.ir/article>>.
- Motafaker Azad, M. A. et al. (2013), "Analysis of the Effects of Economic Freedom, Human Development and Democracy in Selected Islamic Countries (2001-2010)", *Economic Growth and Development Research*, 4(13).
- Pesaran, M. H. (2004), "General Diagnostic Tests for Cross Section Dependence in Panels", *CESifo Working Paper Series*, no. 1229.
- Razmi, A. A., M. J. Razmi, and S. Shahraki (2009), "The Effect of Economic Freedom on Economic Growth with Institutional Approach (Causal Investigation)", *Journal of Science and Development*, 28(16).
- Sameti, M., M. Sameti, and R. Shanazi (2006), "Impact of Economic Freedom on Income Per Capita and Economic Growth (Panel Data Approach)", *Macroeconomic Research Journal*, 6.1(20).
- Seers, D. (1969), "The Meaning of Development", *International Development Review*, 4(11).
- Sen, A. (2001), *Development as Freedom*, OUP Oxford.
- Shahabadi, A. and Z. Bahari (2014), "Effect of Political Stability and Economic Freedom on the Economic Growth in Selected Developed and Developing Countries", *Economic Growth and Development Research*, 4(16).
- Streeten, P. (1981), *Development Perspectives*, Macmillan.
- Türen, U., Y. Gökmen, and A. Keser (2016), "National ICT, Economic Freedom and Human Development: a Cross-Country Dynamic Panel Data Analysis", *Researchers World*, 7(2), 1.